

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۷

هزار و سیصد و نود و هشت - بهار

- ۷ نقدی پست مدرنیستی بر پوزیتیویسم حقوقی در حقوق بین الملل
دکتر علیرضا باقری ابیانه - دکتر مجتبی انصاریان
- ۲۷ تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت: از معمای تعمیم قواعد عام تفسیر تا تخصیص تفسیر
یاسر سالاریان - مهدی خلیلی طریقه
- استثنائات منع کار اجباری در قوانین موضوعه ایران و مقاله‌نامه شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار
دکتر محمد مظهری - فرزاد جنگجوی (خراطا) - اکبر لطفی عزیز
- ۵۵ تعهدات خاص خدمات مخابرات در سازمان جهانی تجارت
زهرا مشرف جوادی
- ۷۹ بررسی الزام مستدل بودن آرای داوری در رسیدگی به اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی
سپهر حسن‌خان‌پور - امیرحسین حقیقی
- ۱۰۷ رویکرد کیفی قانون مالیات‌های مستقیم با تأکید بر قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم
۱۳۹۴/۰۴/۳۱
- ۱۲۷ دکتر ابوالحسن شاکری - عاطفه شیخ اسلامی
- سیاست‌های نوین تقنینی مبارزه با قاچاق کالا در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب
۱۳۹۲/۱۰/۰۳
- ۱۶۷ مصطفی حسن رئیسی - ریحانه خلیلی
- تأثیر شخصیت در قراردادهای با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس با تأکید بر رویه قضایی
فاطمه نوری - دکتر مهدی عاشوری - دکتر دلاور برداران
- ۱۸۹ جایگاه وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو تحولات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
دکتر سید ابراهیم قدسی - میثم غلامی - امین ملکی
- ۲۱۵ اصل حاکمیت اراده و بروز آن در قواعد حل تعارض در نظام حقوقی ایران و چین
۲۳۹ وحید یگانه - روح‌الامین حجتی کرمانی
- ۲۶۱ قراردادهای هوشمند: توافقات حقوقی در پرتو بلاک‌چین
نگارنده: رچی او شیلدز، ترجمه: مهدی ناصر - دکتر حسین صادقی





بررسی الزام مستدل بودن آرای داوری در رسیدگی به اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی

سپهر حسن خان پور* - امیرحسین حقیقی**

چکیده:

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، حل و فصل اختلافات ناشی از آن در مراجع داوری می‌باشد. این اختلافات باتوجه به قرارداد فی‌مابین طرفین، در نهادهای مختلفی رسیدگی می‌شوند که شایع‌ترین این نهادها با در نظر داشتن ماهیت دعوا، مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید) می‌باشد. یکی از موارد اساسی در داوری اختلافات سرمایه‌گذاری، تبیین دلایل مبنای رأی است. در این ارتباط، نظر واحد و مشخصی مطرح نشده و این مفهوم طی سال‌ها و در پرونده‌های گوناگون مطرح شده در مراجع داوری و به خصوص، ایکسید، دچار تحولاتی شده است. در پرونده‌های قدیمی‌تر مطرح شده در ایکسید، معیاری حداکثری برای میزان مستدل بودن رأی مطرح شده که باب ابطال آرای داوری را به‌نحوی موسّع می‌گشاید؛ اما در پرونده‌های جدیدتر معیاری معتدل‌تر ارائه شده که مطابق آن، تنها در مواردی محدود، رأی داوری به جهت مستدل نبودن ابطال می‌گردد. در این مقاله، می‌کوشیم ابتدا الزام به مستدل بودن رأی داور را در حالی کلی بررسی کنیم و در ادامه، به رویه‌های موجود در ایکسید در خصوص اختلافات مرتبط با سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها:

داوری، اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، مستدل بودن رأی داور، ایکسید.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۸
صفحه ۱۰۷-۱۲۶، تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۸/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۳

* فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد حقوق تجاری - اقتصادی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

Email: s.khanpour@yahoo.com

دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

** فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد حقوق تجاری - اقتصادی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

Email: haghilaw@ut.ac.ir

دانشگاه تهران

مقدمه

اختلافات ناشی از پرونده‌های سرمایه‌گذاری خارجی در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی منشأ مسائل و چالش‌های فراوانی بوده‌اند. از یک‌سو، دغدغه‌های مرتبط با حاکمیت ملی کشورها سبب حساسیت موضوع و توجه همه‌جانبه به پرونده‌های سرمایه‌گذاری شده، امری که در پاره‌ای موارد به این پرونده‌ها رنگ و بوی سیاسی می‌دهد. از سوی دیگر، در اغلب موارد، طرفین اختلاف مرتبط با سرمایه‌گذاری بین‌المللی، یک دولت و یک شخص خصوصی خارجی هستند و این، به‌نوعی ماهیتی دوگانه به این پرونده‌ها می‌دهد. به‌طور معمول، اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی از طریق داوری حل‌وفصل می‌شوند. داوری به‌مثابه تجلی حاکمیت اراده طرفین، سهم‌فزاينده‌ای در به سرانجام رساندن این‌گونه اختلافات مهم پیدا می‌کند؛ به‌نحوی که طرفین این‌گونه اختلافات، کمتر تمایلی به مراجعه به دادگاه‌ها و طی تشریفات دست‌وپاگیر و طولانی دادرسی دارند. این نقطه می‌تواند آغازی بر چالش‌های متعدد در پرونده‌های داوری اختلافات سرمایه‌گذاری محسوب شود؛ داوری بر اصل حاکمیت اراده و توافق طرفین در ماهیت و تشریفات دادرسی تأکید دارد و این امر، درعمل منشأ اختلافات گوناگون می‌شود.

یکی از شرایط مهم و اساسی آراء و به‌طور خاص، آرای داوری، موجه و مدلل بودن رأی است؛ یعنی داور باید دقیقاً بیان کند که رأی خود را بر مبنای کدام قانون، قاعده یا اصل حقوقی صادر می‌نماید.^۱ طرفین دعوی و دیگر خوانندگان رأی حق دارند بدانند که داور چه سیر منطقی‌ای برای رسیدن از مقدمه رأی به نتیجه آن طی کرده و از چه مبانی‌ای در رأی خود بهره جسته است. در رویه‌های داوری بین‌المللی به انحای گوناگون با این الزام داوران برخورد شده و ضمانت‌اجراهای متفاوتی در این زمینه مقرر گشته است. در پرونده‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری بین‌المللی، این امر به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفته و در موارد مختلف به آن پرداخته شده است و حقوق‌دانان معیارهای متفاوتی در زمینه الزام داور به اظهار دلایل مبنای حکم ارائه داده‌اند که آرای بعدی را در این زمینه به‌شدت تحت تأثیر قرار داده و با توجه به حساسیت و اهمیت فوق‌العاده موضوع، منشأ آثار قابل توجه حقوقی، اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی شده است.

۱. البته در این رابطه اختلافاتی بین نظام‌های حقوقی وجود دارد که در ادامه بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

در این نوشتار، تلاش می‌کنیم نحوه الزام داوران به اظهار دلایل مبنای حکم را در پرونده‌های مهم مرتبط با سرمایه‌گذاری موردشناسایی قرار دهیم. از این رو، در گفتار نخست الزام مستدل بودن رأی داور را در حالتی کلی موردکنکاش قرار می‌دهیم و در گفتار دوم با ورود تخصصی‌تر به موضوع، خواهیم کوشید با استناد به پرونده‌های مهم مرتبط با سرمایه‌گذاری بین‌المللی و نیز بررسی تحلیلی آنها، معیار مربوط به الزام داور به مستدل نمودن آرای صادره را به دست آورده و تحولات آن را بررسی نماییم. در پایان نیز معیار منتخب ارائه خواهد شد.

۱- الزام مستدل بودن رأی داور

مستدل و موجه بودن آرای قضایی جایگاه خاصی در اصول دادگستری داشته و به انحای مختلف به لزوم آن اشاره شده است تا جایی که در اصل ۱۶۶ قانون اساسی مستقلاً به این مهم پرداخته شده و مقرر شده است: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.» در بند ۴ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز، به‌عنوان یکی از نکاتی که باید در نگارش رأی رعایت شود، «جهت، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی بر اساس آنها صادر شده است.» ذکر شده است.^۲ در مورد مستدل بودن رأی داوری، در ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است: «رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.» باتوجه به این ماده، قاعده یا قواعد حقوقی که رأی داور بر مبنای آن صادر شده، علی‌القاعده باید در رأی مورد اشاره قرار گیرد؛ اما نمی‌توان داور را ملزم کرد که در رأی خود به مواد قانون استناد کند.^۳

در مورد لزوم ارائه دلایل استنادی در متن رأی، بین نظام‌های حقوقی وحدت نظر وجود ندارد. برخی نظام‌ها مانند بلژیک مقرر می‌دارند که کلیه آرای داوری باید متضمن دلایلی باشند که به استناد آنها رأی صادر شده است و بعضی از کشورها مثل ایالات متحده آمریکا ذکر دلایل استنادی را در رأی داوری شرط نمی‌دانند.^۴ برخی بر این باورند که داور ملزم به رعایت قواعد و اصول حقوقی نیست بلکه وی باید تصمیم خود را بر انصاف مبتنی کند و رأی

۲. محمد صالحی‌راد، «تأملاتی در باب مستدل بودن احکام دادگاه‌ها»، مجله حقوقی دادگستری ۴۲ (۱۳۸۲)، ۱۸.

۳. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته) (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۹)، جلد سوم، ۵۵۴-۵۵۳.

۴. عبدالحسین شیروی، داوری تجاری بین‌المللی (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها

خود را با استناد به آنچه که وی عادلانه و معقول می‌داند، صادر کند بی‌آنکه حتی ملزم به استدلال حقوقی برای یافته‌های خود باشد.^۵ بعضی نیز چنین ابراز داشته‌اند که تکلیف مستدل بودن آرای داوری به‌طور عام، اجباری و تحمیلی نیست بلکه یکی از نتایج عملی قضایی شدن رسیدگی داوری است.^۶ بیشتر کشورها مقرر می‌کنند که رأی داوری باید اصولاً متضمن دلایل استنادی باشد. این شرط در قانون نمونه آنسیترال مقرر شده است و کشورهایی که این قانون را پذیرفته‌اند، از این روش پیروی می‌کنند. در بند دوم ماده ۳۰ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶، به‌عنوان یک اصل کلی مقرر شده است که «کلیه دلایلی که رأی بر آنها مبتنی است، باید در متن رأی آورده شود.» ولی در مورد موارد آن و میزان جزئی بودن آن، قانون تصریحی ندارد.

در بند دوم ماده ۳۰ و ماده ۲۸ دو استثناء بر قاعده بالا آورده شده است: اول، مواردی که توافق طرفین بر آن تعلق گرفته و همچنین موردی که طرفین نسبت به موضوع اختلاف سازش می‌کنند و سازش مزبور در قالب رأی داوری آورده می‌شود. البته بند سوم ماده ۲۷ به دیوان اجازه داده در صورت اجازه صریح طرفین با کدخدامنشی داوری نماید، درحالی‌که در موارد استثناء چنین موردی نیامده است که این، از موارد ابهام قانون داوری تجاری بین‌المللی به‌شمار می‌آید؛ زیرا در تفسیر لفظی چنین استنباط می‌شود که در این مورد، لزوم درج دلایل الزامی است، ولی از سوی دیگر می‌توان چنین شرطی را بنابر ماهیت در توافق طرفین نیز فرض نمود.^۷ بدین ترتیب، در مورد الزام به مستدل بودن رأی داوری، اگرچه الزاماتی همراه با امکان استثناء کردن آن بیان شده است، ولی معیار دقیق و عامی از کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی ایران به‌دست نمی‌آید. در ادامه با تدقیق در موضوع اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری و تمرکز بر رویه‌های پیشین، به جستاری تحلیلی در این رابطه خواهیم پرداخت.

۵. مرتضی شهبازی‌نیا، «داوری و انصاف» در مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، به اهتمام محمد کاکاوند (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱)، ۱۲۴.

۶. نگوبین کک‌دین، پاتریک دیبه و آلن پله، حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه حسن حبیبی (تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۳)، ۲۷۸.

۷. شیروی، پیشین، ۲۶۶.

۲- مستدل بودن رأی داور در پرونده‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری

از آنجایی که عمده پرونده‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری در مراجع داوری مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید)^۸ مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، در این

A. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID).

این مرکز زیرمجموعه بانک جهانی محسوب می‌شود و همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، به‌عنوان نهادی تخصصی برای حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری طراحی شده است. اصولاً ایکسید در مرحله اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری دخالتی ندارد، لیکن این مرکز نوعی اطمینان خاطر برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی فراهم کرده و موجبات تسهیل در انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و قراردادهای سرمایه‌گذاری را مهیا می‌سازد. کنوانسیون ایکسید تحت عنوان «کنوانسیون حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر» (Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States) در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۶۵ برای امضاء مفتوح گردید و در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۶ لازم‌الاجرا شد و در حال حاضر ۱۵۹ کشور به عضویت این کنوانسیون درآمدند.

ICSID, Accessed October 31 2014,

https://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet?requestType=CasesRH&actionVal=ShowHome&pageName=MemberStates_Home

فعالیت‌های ایکسید به‌عنوان جامع‌ترین و مقبول‌ترین نظام حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، شامل دو بخش است: مأموریت اصلی آن شامل حل و فصل اختلافات میان یک دولت و تبعه دولت دیگر از طریق سازش یا داوری می‌باشد. علاوه بر این، ایکسید فعالیت‌هایی مانند حقیقت‌یابی و تلاش در جهت افزایش میزان سرمایه‌گذاری‌های بین-المللی را انجام می‌دهد. (حسین پیران، مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۹)، ۲۱۴).

اختلافات بین‌المللی به اعتبار طرفین می‌تواند در سه شکل نمایان شود: (۱) بین اشخاص خصوصی خارجی؛ (۲) بین دولت‌ها با یکدیگر؛ (۳) بین دولت‌ها و اشخاص خصوصی خارجی. همان‌طور که از نام کنوانسیون ایکسید برمی‌آید، این نهاد تنها به‌دسته سوم اختلافات می‌پردازد.

هدف اصلی دولت‌ها از تأسیس این مرکز در مقدمه کنوانسیون شرح داده شده است که می‌توان آن را بدین صورت خلاصه کرد: برآوردن نیاز به همکاری بین‌المللی و توسعه اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری‌های خصوصی بین‌المللی با تأسیس مکانیسم سازش و داوری بین‌المللی که هدف نهایی آن اجتناب از منازعات و یا حل اختلافاتی است که بین دولت‌های طرف کنوانسیون و اتباع کشورهای متعاقد دیگر به‌وجود می‌آید. (محمود جلالی، «حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق داوری ایکسید و ضرورت الحاق ایران»، فصلنامه الهیات و حقوق ۱۳ (۱۳۸۹)، ۴۶-۴۴).

در حل و فصل اختلافات میان یک کشور و اتباع سایر کشورها، اساساً نظام خاص داوری که با دیگر داوری‌ها تفاوت دارد، مورد پذیرش ایکسید قرار گرفته است؛ اما گرایش ارادی که ویژگی اساسی داوری است، در این نظام نیز جایگاه خود را دارد، به‌نحوی که در تشکیل دادگاه داوری و تصمیم‌گیری‌های آن، طرفین دعوی همچنان تعیین‌کننده هستند و نقش عمده را ایفاء می‌کنند.

Ibrahim Shihata, and Antonio R. Parra, "The Experience of the International Center for the Settlement of Investment Disputes (ICSID)," *Foreign Investment Law Journal* 14 (1999): 310.

بخش، به‌طور ویژه به بررسی وضعیت و رویه مراجع داوری ایکسید می‌پردازیم و در پایان، می‌کشیم معیاری مناسب در ارتباط با دلایل مبنای رأی ارائه دهیم.

۲-۱- وضعیت خاص مراجع داوری ایکسید

بیان دلایل رأی به‌طور خاص در حوزه حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی مهم به‌نظر می‌رسد. برخلاف داوری تجاری بین‌المللی که به‌طور کامل توسط و برای اشخاص حرفه‌ای انجام و آرای آن به‌ندرت منتشر می‌شود، آرای سرمایه‌گذاری بین‌المللی از عمومیت بیشتری برخوردار بوده و ممکن است اثرات سیاسی قابل‌توجهی بر تمام یک کشور داشته باشند. در برخی پرونده‌ها، پیامدهای اقتصادی آرای سرمایه‌گذاری ممکن است آثار بلندمدتی بر توان اقتصادی کشور مربوطه داشته باشند. شهروندان، به‌عنوان «سرمایه‌گذارانی» که ممکن است پیامدهای یک رأی را تحمل کنند، حق دارند بدانند یک تصمیم چرا اتخاذ شده است. به‌طور مشابه، رقیب سیاسی در کشورهای دموکراتیک می‌خواهد بفهمد که یک تصمیم چرا اتخاذ شده است. اگر دلایل تصمیمات متخذه روشن نباشد، کیفیت بحث سیاسی داخلی درباره سیاست سرمایه‌گذاری که مطمئناً یکی از موضوعات حیاتی برای کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید، به شدت کاهش خواهد یافت؛ بنابراین، الزام اظهار دلایل، به‌عنوان یک سازوکار کنترلی در تمام حوزه‌های داوری، اهمیت بیشتری در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی پیدا می‌کند. البته، این ملاحظات باید منجر به نگارش آرائی شوند که برای افراد به‌طور معقول هوشمند، قابل دسترسی باشند و آن قدر پیچیده نباشند که تنها گروه کوچکی از متخصصان قادر به فهم

چشمگیرترین مورد در داوری ایکسید، توجه به برقراری تعادل و توازن میان منافع کشور میزبان و سرمایه‌گذار خارجی است که با ایجاد تضمین‌های حقوقی مناسب امکان جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به‌صورت واقعی فراهم شده است و این، خود علت وجودی اصلی کنوانسیون ایکسید به‌شمار می‌آید.

Julian D. M. Lew (editor), *Contemporary Problems in International Arbitration* (London: Martinus Nijhoff Publishers, 1986), 98.

کشورهای متعهد ایکسید اعم از اینکه طرف اختلاف یا مرتبط با اختلاف باشند یا خیر، با پذیرش رأی داوری که منطبق با کنوانسیون صادر شده و به قطعیت رسیده باشد، اجرای آن را در کشور خود متعهد می‌شوند. ماده ۵۴ کنوانسیون با وضع این مقرره ویژه تأکید دارد که هر دولت طرف قرارداد، باید رأی صادره بر اساس کنوانسیون را به رسمیت بشناسد و تعهداتی را که رأی مزبور در قلمرو آن کشور ایجاد می‌کند، شناسایی کند، به‌نحوی که گویی از دادگاه داخلی خودش صادر شده است. (محمدرضا مجتهدی، «درآمدی بر حقوق حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون داوری ایکسید»، *مجله فقه و حقوق اسلامی* ۳ (۱۳۹۰)، ۱۸۳). این امر سبب شده که آرای داوری ایکسید با جدیت بیشتری مورد شناسایی و اجرا واقع شوند.

آن باشند.^۹ مهم‌ترین و تخصصی‌ترین مراجع داوری مرتبط با اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی، متعلق به مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید) هستند. از این رو، حتی در مواردی که طرفین اختلاف مرتبط با سرمایه‌گذاری، بر حکمیت مرجعی جز مرجع داوری ایکسید توافق کرده‌اند، رویهٔ محاکم داوری ایکسید به‌نوعی برای این مراجع الگو قرار داده می‌شود.^{۱۰}

هدف از الزام دیوان‌های داوری به ارائهٔ دلایل آرای صادره، توضیح رأی برای خوانندهٔ آن و به‌ویژه طرفین اختلاف است تا متوجه شوند که دیوان چرا و چگونه چنین حکمی را صادر نموده است.^{۱۱} این امر در رویهٔ محاکم داوری بین‌المللی گاه به شکل اختیاری و وابسته به ارادهٔ طرفین درآمد، اما با توجه به اهمیت ویژهٔ پرونده‌های سرمایه‌گذاری که ذکر شد، کنوانسیون ایکسید به‌عنوان امری حیاتی و غیرقابل اجتناب به ارائهٔ دلایل پرداخته است. بند ۳ ماده ۴۸ این کنوانسیون، به‌وضوح بیانگر الزام دیوان‌های داوری در تصریح دلایل آراء می‌باشد. بر اساس این بند، «حکم دیوان ناظر به تمام موارد تسلیم‌شده به آن خواهد بود و باید متضمن دلایل مبنای حکم نیز باشد.» همچنین، بند ۱ از ماده ۵۲ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «هر طرف می‌تواند ابطال حکم را بر مبنای یکی از موارد زیر، با تقدیم درخواستی مکتوب به دبیرکل تقاضا کند: ...

ه) اینکه دلایل مبنای صدور حکم بیان نشده باشد.»^{۱۲}

۹. Guillermo Aguilar Alvarez and W. Michael Reisman, *The Reasons Requirement in International Investment Arbitration* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2008), 2.

۱۰. برای نمونه، در پروندهٔ شرکت متالکلاک علیه دولت مکزیک که در مرجع داوری پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) مورد رسیدگی قرار گرفته بود، مرجع تجدیدنظر به چند پروندهٔ قبلی که در ایکسید رسیدگی شده بودند، استناد کرد. (Alvarez, op.cit. 12-13) در رابطه با این پرونده، نک:

Italaw, Accessed November 2, 2014, <http://www.italaw.com>.

۱۱. رودلف دالزر و کریستف شرورث، *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*، ترجمه سید قاسم زمانی و به‌آذین

حسیبی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱)، ۴۳۸.

۱۲. سیر تفکر نویسندگان کنوانسیون نشان می‌دهد که الزامی کردن دلایل از همان ابتدای ایجاد کنوانسیون برای نویسندگان آن مهم بوده است؛ اما در پیش‌نویس‌های اولیهٔ بند ۱ ماده ۵۲ ضمانت‌اجرای عدم‌اظهار دلایل یک درجه پایین‌تر پیش‌بینی شده بود؛ به‌این‌صورت که عدم‌اظهار دلایل منجر به ابطال رأی داوری می‌شد، مگر در فرضی که طرفین اختلاف توافق می‌کردند که نیازی به اظهار دلایل نیست؛ اما در نسخهٔ نهایی این بند، این اختیار حذف شد و اظهار دلایل مبنای رأی، مطلقاً جنبهٔ اجباری یافت. (Alvarez, op.cit. 3-4) در قانون نمونهٔ آنسیترال هم به طرفین اختیار داده شده تا تکلیف مستدل نمودن رأی را از دوش داور بردارند. (Alvarez, op.cit. 29)

چنان که مشاهده می‌شود، کنوانسیون ایکسید قوی‌ترین ضمانت اجرای ممکن را در فرض عدم‌اظهار دلایل مبنای رأی، پیش‌بینی کرده که همانا ابطال رأی است، ضمانت‌اجرایی که در کمتر کنوانسیون در ارتباط با این نقص رأی داور پیش‌بینی شده است. همچنین، قانونی که مشخص می‌کند در هر مورد دقیقاً چه دلایلی لازم است اظهار شوند، طبق بند ۱ ماده ۴۲ کنوانسیون مشخص می‌شود. این بند مقرر می‌دارد: «دیوان در مورد یک اختلاف بر مبنای قوانین مورد توافق طرفین رسیدگی خواهد کرد. در غیاب چنین توافقی، محکمه باید بر اساس قانون کشور متعاقد طرف دعوی (شامل قواعد تعارض قوانین آن کشور) و آن دسته از قواعد حقوق بین‌الملل که قابل اجرا باشد، تصمیم‌گیری کند.» پس در درجه اول، حکومت با قانون مورد توافق طرفین است و در صورت نبود چنین توافقی، قانون کشوری که طرف دعواست (نه قانون دولت متبوع شخص خصوصی) و در نهایت، قواعد قابل اجرای حقوق بین‌الملل.

نحوه رسیدگی به این الزام هم بدین صورت است که هرگاه یکی از طرفین داور، رأی را به موجب یکی از جهات مقرر در ماده ۵۲ کنوانسیون، باطل بداند، با تسلیم درخواستی مکتوب به دبیرکل ایکسید، این امر را اعلام می‌دارد. متعاقب این درخواست، دبیرکل دستور تشکیل یک کمیته ویژه^{۱۳} را در رابطه با پرونده مربوطه می‌دهد. این کمیته رأی داور را بررسی می‌کند و در صورتی که به این نتیجه برسد که یکی از جهات موجب ابطال رأی، مقرر در ماده ۵۲، وجود دارد، اقدام به ابطال رأی می‌نماید. باید توجه داشت که فرایند ماده ۵۲ در زمینه بررسی رأی داور جهت ابطال آن، کاملاً جنبه شکلی دارد و به هیچ وجه وارد ماهیت دعوی نمی‌شود. این امر بیانگر تفاوت جدی این نوع رسیدگی با رسیدگی پژوهشی (تجدیدنظر) می‌باشد که در ماده ۵۳ کنوانسیون مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

۲-۲- رویه مراجع داور ایکسید

در گذشته نظراتی در ارتباط با معیارهای مرتبط با میزان دلایل مبنای رأی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده بود؛^{۱۴} اما از آنجایی که نحوه دقیق اعمال قاعده الزام اظهار دلایل، در

۱۳. Ad Hoc Committee.

۱۴. برای مثال، کارلستون چنین بیان کرده است که «داوری یک پروسه قضایی به‌شمار می‌آید و بنابراین، الزاماتی که رأی بایستی به آنها به‌صورت شکلی در بیان استدلال دست یابد، اساسی به‌نظر می‌رسند. البته این موارد لازم نیست که به‌طور جزئی بیان شود و در نتیجه، اظهاراتی که به‌صورت کلی نشان‌دهنده دلایلی باشد که رأی بر آنها بنا شده، صحیح، متقن و لازم‌الاتباع است. از این رو، اگر از اوضاع و احوال پرونده مورد نظر چنین به نظر آید که از برخی وجوه، ضعف در استدلال موجود است، به ابطال رأی منجر نمی‌گردد.»

رویه کمیته‌های ویژه مسئول بررسی آرای صادره از مراجع داوری ایکسید مشخص می‌شود، در این مبحث به برخی پرونده‌های مهم و تأثیرگذار و معیارهایی که این پرونده‌ها در زمینه الزام اظهار دلایل مبنای رأی مقرر داشته‌اند، می‌پردازیم.

۲-۲-۱- پرونده کلاکتر علیه کامرون^{۱۵}

در سال ۱۹۷۱، کلاکتر، شرکت چندملیتی آلمان غربی و دولت کامرون در یک «موافقتنامه بنیادین»^{۱۶} با درج شرط داوری ایکسید، قراردادی برای ایجاد یک شرکت تولید کود به نام سوکیم^{۱۷} منعقد کردند. کلاکتر مالک ۵۱ درصد سهام و مسئول مدیریت فنی و تجاری سوکیم و دولت کامرون مالک ۴۹ درصد باقی‌مانده بود و تضمین‌کننده پرداخت برای شرکت محسوب می‌شد. در سال‌های بعد، کلاکتر و کامرون یک «قرارداد عرضه»^{۱۸} در ۱۹۷۱ و یک «کنوانسیون» در ۱۹۷۳ منعقد کردند و حقوق و تعهدات اضافی طرفین را تعریف کردند و دوباره شرط داوری ایکسید را در توافق گنجانده‌اند. مسئولیت‌های مدیریتی کلاکتر قبلاً مبهم بود، اما بعداً در موافقتنامه مدیریت که در آن شرط داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی وجود داشت، روشن شد.

هنگامی که کارخانه‌ها شروع به تولید کردند، بازده سوکیم به‌طور مستمر پایین‌تر از پیش‌بینی‌های اولیه بود. مشاور دولت کامرون به این دولت توصیه کرد که به‌منظور بهبود فرایندها، کارخانه را دوباره طراحی کند. دولت کامرون از کلاکتر خواست تا در این طراحی مجدد همکاری کند و در سرمایه‌گذاری‌های اضافه شرکت جوید، اما کلاکتر به‌جای این کار، سهام اکثریت خود را واگذار کرد.

Kenneth Smith Carlston, *The Process of International Arbitration* (New York: Columbia University Press, 1946), 53.

همچنین، رایزمن عقیده دارد: «یک توجیه و استدلال ریز و جزئی از هر فرض حقوقی در هر مرحله از استنباط و در هر مرحله از نتیجه‌گیری مقدماتی غیرممکن است؛ به‌استثنای آرای دیوان‌های عالی که پدیده‌ای نادر در سطح بین‌الملل به شمار می‌آیند و استدلال کامل و جامع در آنها الزامی می‌باشد.»

W. Michael Reisman, *Nullity and Revision* (London: Yale University Press, 1971), 618.

15. Klöckner v. Cameroon; See: "Klöckner v. Cameroon Decision of the Ad Hoc Committee," ICSID Review, Accessed November 1, 2014, <http://icsidreview.oxfordjournals.org/content/1/1/89.full.pdf+html>.

16. Basic Agreement.

17. SOCAME.

18. Supply Contract.

پس از طراحی مجدد، ناکارآمدی کارخانه دوباره به اثبات رسید و سوکیم که حالا سهام اکثریتش در اختیار دولت کامرون بود، از پرداخت به کلاکتر به جهت کارخانه امتناع ورزید. کلاکتر علیه دولت کامرون برای پرداخت‌های تضمین‌شده به‌موجب «قرارداد عرضه» که اعلام می‌داشت کلاکتر تنها یک کارخانه فراهم خواهد کرد (تعهدی که این شرکت انجام داده بود)؛ اما هیچ مقرره‌ای در مورد کارآمدی کارخانه دربرداشت، در دیوان داورى ایکسید طرح دعوا کرد. کامرون دعوی متقابل نقض تعهدات را طرح کرد و تلاش کرد مسائل مدیریتی را پیش بکشد. کلاکتر پاسخ داد که مسائل مدیریتی باید به اتاق بازرگانی بین‌المللی ارجاع شود و نه به ایکسید، چنان‌که در شرط داورى در قرارداد مدیریت مقرر شده بود.

دیوان داورى ایکسید با استدلال کلاکتر قانع نشد. در نتیجه، حکم به نفع کامرون صادر شد. داور منتخب کلاکتر در نظر مخالف خود، به علت «اشتباهات مهم، تعارضات متعدد، عدم‌اظهار مبنای حکم و ارائه اطلاعات غلط از شروط قراردادی» حکم را باطل تلقی کرد. کلاکتر بلافاصله درخواستی برای ابطال رأی به‌موجب ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید، به دبیرکل این نهاد داد. این اولین درخواست ابطال مطرح‌شده علیه یکی از آرای ایکسید بود و کمیته ویژه جست‌وجو و آزمونی دقیق از تمام جنبه‌های فرایند بازمینی ایکسید را برعهده گرفت.

تنها بحث دلایل این پرونده به نوشتار حاضر ارتباط می‌یابد. در تصمیم‌گیری در مورد وظیفه محکمه برای اظهار دلایل، کمیته کلاکتر رأی داد که باید آزمونی رسمی و نه عمده از دلایل وجود داشته باشد. به نظر کمیته، مادامی که «پاسخ‌های حکم قابل دفاع و نه خودسرانه به نظر می‌آیند، یک تجاوز روشن از اختیار را تشکیل نمی‌دهند.» و در صورت شک، تحلیل به نفع اعتبار حکم خواهد بود؛ اما این فرض می‌تواند کاملاً شکننده باشد. مطابق عقیده کمیته ویژه پرونده کلاکتر، تنها نقش کمیته در اینجا این است که اعلام کند آیا یکی از مبنای ابطال مذکور در ماده ۵۲ کنوانسیون وجود دارد یا خیر و پیامد را طبق این ماده مشخص کند. در این مفهوم، کمیته از خلوص حقوقی کنوانسیون دفاع می‌کند.

با نظریه «خلوص حقوقی»، کمیته کلاکتر یک معیار حداکثری برای دلایل ایجاد کرد. به‌طور هماهنگ با این نظریه، روش‌شناسی کمیته هیچ ارزیابی‌ای از اهمیت نقص دلایل را شامل نمی‌شود. به نظر می‌رسد ابطال آراء در وضعیتی بسیار حساس و شکننده قرار گرفته است.

کمیته کلاکتر در ادامه نظرات خود، اعلام می‌دارد که «بند ۱ ماده ۴۲ به‌روشنی به داور اجازه نمی‌دهد که رأی خود را صرفاً بر «قواعد» یا «اصول حقوق بین‌الملل» بنا کند.»

اساس رأی این کمیته، حتی یک ارجاع به یک «اصل بنیادین» معیارهای ماده ۵۲ را برآورده نمی‌کند، مگر اینکه با استنادات کافی همراه باشد.

همچنین، به عقیده کمیته کلاکتر، تعارض بین دلایل مبنای دیگری برای ابطال است: «با ملاحظه «تعارض دلایل» در اصل مناسب است که این مفهوم تحت عنوان «عدم‌اظهار دلایل» آورده شود، به این دلیل بسیار ساده که دو دلیل واقعاً متعارض یکدیگر را خنثی می‌کنند. از این رو، منجر به عدم‌اظهار دلایل می‌شود؛ بنابراین، تعهد داور بر اظهار دلایل غیرمتعارض باید پذیرفته شود.»

به‌طور مشابه، از نظر کمیته کلاکتر، دلایل «فرضی» غیرمعتبر هستند: «بر متقاضی ابطال لازم بود که نشان دهد که حکم مورد اختلاف، در یک موضوع یا موضوع دیگر، به‌جای وقایع یا استدلال‌های دقیق حقوقی، بر یک فرض ساده مبتنی است.»

به‌عنوان کفایت محتوای دلایل، رأی کمیته ویژه کلاکتر به‌جای یک معیار کمی، معیاری با منطق غایی مشخص می‌کند. در نهایت، این کمیته نتیجه گرفت: «اگر هیچ‌گونه استدلال یا شرح، یا هیچ «دلیل مرتبط» یا استدلال «به‌طور معقول قابل‌پذیرشی» برای نتایج یا تصمیمات موجود در رأی یافت نشود، «عدم‌اظهار دلایل» وجود خواهد داشت.»

رأی کمیته کلاکتر کامل‌ترین بحث از این مبنای خاص ابطال در رویه کمیته‌های ویژه را تشکیل می‌دهد. این رأی یک معیار فوق‌العاده حداکثری و در واقع بی‌سابقه را مطرح می‌کند. معیاری که در پرونده‌های بعدی به‌طور جدی تعدیل می‌شود.^{۱۹}

۲-۲-۲- پرونده مؤسسه نامزدهای دریایی بین‌المللی (ماین) علیه جمهوری گینه^{۲۰}
در سال ۱۹۷۱، گینه و ماین که یک شرکت اهل لیختن‌اشتاین بود، مشارکتی^{۲۱} با رئیس منصوب‌شده از جانب گینه و نایب‌رئیس منصوب‌شده از جانب ماین تشکیل دادند. هدف این مشارکت، ارسال بوکسیت^{۲۲} گینه به بازارهای خارجی بود.^{۲۳} بعد از اختلافات قابل‌توجه بین

19. Alvarez, op.cit. 4-10.

20. Maritime International Nominees Establishment (MINE) v. Republic of Guinea. See: "El Salvador's Counter-Memorial in Opposition to Claimants' Application for Annulment," Itlaw, Accessed November 2, 2014, <http://www.itlaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw1186.pdf>.

21. Joint Venture.

22. Bauxite: نوعی ماده معدنی که آلومینیوم از آن به‌دست می‌آید.

گینه و ماین، گینه با یک شرکت دیگر قرارداد بست. ماین بلافاصله بر مبنای نقض قرارداد، دعوی نزد دیوان دآوری ایکسید اقامه کرد. دیوان به نفع ماین حکم داد و گینه بر اساس عدم‌اظهار دلایل و عدم‌پاسخ‌گویی به مسائل محوری مطرح‌شده، درخواست بازبینی کرد. کمیته ویژه ماین قاعده خود را از الزام اظهار دلایل ارائه داد: «کمیته بر این عقیده است که این مقرر که حکم باید مدلل باشد، به این معناست که باید خواننده را قادر سازد استدلال محکمه را بر مبنای وقایع و قانون دنبال کند. این به این معناست و فقط همین معنا. کفایت استدلال یک معیار مناسب بازبینی بر اساس شق ه از بند ۱ ماده ۵۲ نیست زیرا این معیار تقریباً به‌ناچار کمیته ویژه را وادار به آزمودن مفاد رأی محکمه می‌کند، بدون توجه به انحصار تجدیدنظر به‌موجب ماده ۵۳ کنوانسیون. یک کمیته ممکن است وسوسه شود حکمی را به‌خاطر اینکه آن آزمون یک اعمال به‌وضوح نادرست قانون را که در حال مبنایی برای ابطال آراء نیست، آشکار کرده، ابطال کند.» به نظر این کمیته، «الزام به اظهار دلایل برآورده می‌شود، مادامی که حکم خواننده را قادر به فهم این مطلب کند که دیوان چگونه از نقطه الف به نقطه ب و در نهایت، به نتیجه‌گیری خود رسیده، حتی اگر دیوان اشتباهی در خصوص وقایع یا قانون مرتکب شده باشد. این معیار حداقلی به‌طور خاص با دلایل متعارض یا نامعقول برآورده نمی‌شود.»^{۲۴ و ۲۵}

۲-۲-۳- پرونده پاتریک میچل علیه جمهوری دموکراتیک کنگو^{۲۶}

در این رأی که از آرای جدیدتر محسوب می‌شود، کمیته ویژه حکم محکمه دآوری را بر مبنای عدم‌اظهار دلایل و تجاوز روشن از اختیار در صدور رأی برای پذیرش صلاحیت، لغو کرد. پاتریک میچل شهروندی آمریکایی بود که یک دفتر مشاوره حقوقی با عنوان «میچل و شرکا»^{۲۷} در کنگو راه‌اندازی کرده بود. این پرونده با سلب مالکیت ادعایی از این دفتر مشاوره

23. Monroe Leigh, "Maritime International Nominees Establishment V. Republic Of Guinea," *The American Journal of International Law* 77(2) (1983): 318-320, Accessed November 2, 2014, doi: 10.2307/2200863.

<http://Www.Jstor.Org/Discover/10.2307/2200863?Uid=2&Uid=4&Sid=21104932536397>

۲۴. زیرا دلایل متعارض می‌توانند یکدیگر را خنثی کنند و دلایل نامعقول هم علی‌الاصول نمی‌توانند دلیل به‌معنای واقعی باشند و در هر دو صورت، سیر منطقی رأی جهت فهم خواننده از آن، مخدوش می‌گردد.

25. Alvarez, op.cit. 11-12.

26. "Mr. Patrick Mitchell V. Democratic Republic of the Congo," Itlaw, Accessed November 2, 2014, <http://www.italaw.com/cases/709>.

27. Mitchell & Associates.

حقوقی ارتباط داشت. در مارس ۱۹۹۹، یک دادگاه نظامی داخلی کنگو دستور مداخله در املاک متعلق به بنگاه را صادر کرد، دستوری که شامل مهر و موم کردن دفتر، تصرف اسناد متعلق به بنگاه و بازداشت دو تن از وکلای بنگاه می‌شد. حکم محکمه که در فوریه ۲۰۰۴ صادر شد، اعلام داشت که میچل در نقض معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری^{۲۸} بین ایالات متحده و جمهوری دموکراتیک کنگو^{۲۹} قربانی سلب مالکیت^{۳۰} از جانب دولت کنگو شده است و به دولت کنگو دستور داد که غرامت و مبلغی به‌عنوان عدم‌النفع ایام تعطیلی دفتر، به میچل بپردازد. کنگو درخواست ابطال حکم را داد، با این ادعا که محکمه در این رأی به‌روشنی از اختیارات خود در رابطه با صلاحیت در زمینه قانون قابل‌اعمال بر دعوی تجاوز کرده و نیز، دلایل خود را در ارتباط با این موارد اظهار نکرده است: (۱) پذیرش صلاحیت موضوعی؛^{۳۱} (۲) تشخیص اینکه اقدامات مورد اختلاف، تشکیل‌دهنده سلب مالکیت هستند؛ (۳) میزان خسارات قابل پرداخت.

کمیته ویژه به معیار حقوقی مربوط توجه کرد و نتیجه گرفت: «فرایند ابطال با فرایند تجدیدنظرخواهی متفاوت است ... این فرایند شامل انجام یک بازبینی عمده از حکم نمی‌شود. دلایل مورد استناد خوانده در ارتباط با حکم، بعضاً مبتنی بر استدلالاتی است که با ماهیت دعوی سروکار دارد و کمیته ویژه کاملاً به خطری که این مورد دربردارد، آگاه است. شکی نیست که مبنای ابطال مشخص شده در ماده ۵۲ باید به شکلی بی‌طرفانه و معقول مورد آزمایش قرار گیرند که نه بسیار مضیق و نه بسیار موسع است. یک کمیته ویژه نباید تصمیم به ابطال یک حکم بگیرد، مگر آنکه متقاعد شود که نقض قابل توجه یکی از قواعد مورد حمایت ماده ۵۲ صورت گرفته است.»

کمیته ویژه پرونده میچل نظر خود را خاطر نشان کرده، مبنی بر اینکه «عدم اظهار دلایل هرگاه که دلایل به‌طور خالص و ساده ارائه نشده باشند، یا آن قدر ناکافی باشند که یکپارچگی استدلال به نحو جدی تحت تأثیر قرار بگیرد، وجود خواهد داشت.» این کمیته معیار پرونده ماین را پذیرفت و در کنار آن، ذکر کرد که «یک استدلال به نحو جدی متعارض، معادل

28. Bilateral Investment Treaty (BIT).

۲۹. این معاهده دوجانبه در سال ۱۹۸۴ امضاء و در سال ۱۹۸۹ اجرایی شد. برای آشنایی با این معاهده، نک: "Congo (DRC) - United States (BIT)," African Growth and Opportunity Act, Accessed November 2, 2014, <http://agoa.info/bilaterals/bit/congo-drc-united-states-bit.html>.

30. Expropriation.

31. Jurisdiction Ratione Materiae.

عدم‌اظهار دلایل به‌موجب شق هـ از بند ۱ ماده ۵۲ است، به شرط آنکه تعارض در همان زمان آشکار باشد تا حدی که کمیته ویژه متهم به دخالت در تحلیل ماهیت نشود.»

به‌طور مشخص، کمیته باتوجه‌به یافته خود مبنی بر اینکه سود سرمایه‌گذار در واقع، سرمایه‌گذاری‌ای در معنای کنوانسیون ایکسید و معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری است، دریافت حکم «ناقص و غیرقابل فهم» است: «حکم ... به اجزای مختلف فعالیت اشاره می‌کند، بدون اینکه درنهایت دلایل این امر را که در مجموع این فعالیت را سرمایه‌گذاری به حساب آورده، بیان کند ... چنین عدم‌کفایت دلایلی به‌طور خاص مانند نبود دلایل فرض می‌شود، زیرا به‌طور جدی یکپارچگی استدلال را تحت تأثیر قرار می‌دهد و علاوه‌بر این، در را به روی خطر سوءاستفاده‌های واقعی باز می‌کند تا حدی که معادل اعطای صلاحیتی مانند سرمایه‌گذار به هر بنگاه مشاوره حقوقی ثبت‌شده در یک کشور خارجی و در نتیجه، قادر کردن آن به بهره‌برداری از نظام خاص داوری ایکسید می‌شود.» از آنجایی که کمیته نتوانست استدلال محکمه داوری را در رسیدن به این نتیجه که «میچل و شرکا» یک سرمایه‌گذاری را تشکیل می‌دهد، کشف کند، بخشی از حکم را به علت عدم‌اظهار دلایل ابطال کرد.

یافته کمیته مبنی بر فقدان استدلال کافی در رابطه با وجود سرمایه‌گذاری، دلالتی قطعی برای ادعای دوم کنگو، یعنی «تجاوز روشن از حدود اختیار» داشت. کمیته تصدیق کرد که بدون کشف استدلال ناکافی، این ادعا پیش نخواهد رفت، اما درنهایت به این نتیجه رسید که «ترکیب اشتباهات در حکم به حدی است که یک تجاوز از اختیار از سوی دیوان داوری باید موردسناسایی قرار گیرد.»

در ادامه کمیته نتیجه گرفته که «بنابر عدم‌اظهار دلایل و تجاوز روشن از اختیارات که دیوان داوری در رأی خود مرتکب شده تا خود را صالح اعلام کند، کمیته موظف به ابطال حکم مورخ ۹ فوریه ۲۰۰۴ است.»

در این پرونده، کمیته تلاش کرده تا بین بازبینی پژوهشی از ماهیت - که اجازه اصلاح یک «رأی ضعیف» را می‌دهد - و بازبینی ماده ۵۲ از ماهیت - که باید «در محدوده کنترل یکپارچگی استدلال» باقی بماند - تمایز قائل شود. کمیته دریافت که موارد زیر خارج از محدوده کنترل هستند: اصلاح یافته‌های نادرست، معرفی استدلال‌های جدید و توجه به کامل بودن استدلال.^{۳۲}

۲-۳- معیار مناسب

فقدان کامل دلایل در آرای بسیار نادر است. باوجود این، درخواست‌های ابطال آراء بارها متضمن فقدان ارائه دلایل در بخش‌های معینی از رأی بوده‌اند. به‌علاوه، شکایاتی بر مبنای وجود دلایل ناکارآمد و ناکافی، دلایل متناقض در رأی و نپرداختن به کلیه مسائل مطروحه نزد دیوان‌ها مشاهده می‌شود. اگر در مورد خاصی در رأی دلیل ارائه نشده باشد، کمیته ویژه می‌تواند نسبت به تکمیل دلایل رأی اقدام نماید؛ بنابراین، در صورتی که دلایل تصمیم دیوان صراحتاً بیان نشده باشد اما برای کمیته ویژه به سهولت قابل درک با کشورهای متعاقد ایکسید اعم از اینکه طرف اختلاف یا مرتبط با اختلاف باشند یا خیر، با پذیرش رأی داوری که منطبق با کنوانسیون صادر شده و به قطعیت رسیده باشد، اجرای آن را در کشور خود متعهد می‌شوند. ماده ۵۴ کنوانسیون با وضع این مقرره ویژه تأکید دارد که هر دولت طرف قرارداد، باید رأی صادره بر اساس کنوانسیون را به رسمیت بشناسد و تعهداتی را که رأی مزبور در قلمرو آن کشور ایجاد می‌کند، شناسایی کند، به‌نحوی که گویی از دادگاه داخلی خودش صادر شده است.^{۳۳} این امر سبب شده که آرای داوری ایکسید با جدیت بیشتری مورد شناسایی و اجرا واقع شوند.

دلایل ضمنی موجود در آراء نیز تا هنگامی مکفی به نظر می‌رسند و منجر به ابطال رأی نمی‌گردند که بتوان آنها را به‌طور معقولی از عبارات و نتایج رأی استنتاج کرد. نارسایی و ناکافی بودن دلایل رأی، چنان‌که دیده شد، به‌کرات جهت ابطال احکام دیوان‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. مستدل بودن رأی مشخصاً معیاری ذهنی است و کمیته‌های ویژه اظهار داشته‌اند که دلایل رأی باید «به‌اندازه کافی مرتبط و مناسب» باشد و «به طرفین امکان درک تصمیم» را بدهد.^{۳۴}

همان‌طور که در مبحث قبل بیان شد، دو معیار در خصوص کفایت دلایل مبنای حکم داور، پیشنهاد شده است: یک معیار حداکثری که توسط کمیته ویژه پرونده کلاکتر ارائه شده بود و یک معیار متعادل‌تر که توسط کمیته ماین ارائه شد و مورد پذیرش کمیته میچل قرار گرفت. اصل کلی مورد تصریح در معیارهای معتدل‌تر در پرونده‌های ماین و میچل - اینکه دلایل برای یک حکم باید حداقل امکان درک استدلال دیوان را فراهم کنند - درست‌تر به نظر می‌رسد،

۳۳. مجتهدی، پیشین، ۱۸۳.

۳۴. دالزر، پیشین، ۴۳۸.

زیرا این معیار به‌عنوان نوعی کنترل احتیاط دیوان داوری و تأییدی بر اینکه دیوان به سایر الزامات مقرر در ماده ۵۲ احترام گذاشته، عمل می‌کند و نکته دیگر این است که هم تفسیر لفظی و هم تفسیر غایی نظام دلایل ایکسید این معیار را تأیید می‌کند.

بنابراین، وفق شق هـ از بند یک ماده ۵۲، ابطال تنها باید در وضعیت کاملاً مشخصی صورت پذیرد. این وضعیت منوط به دو شرط است: نخست، عدم‌ارائه دلیل باید به‌گونه‌ای باشد که لزوماً در موضوع خاصی به بی‌منطق بودن آشکار رأی پی‌بیریم و دوم، خود آن موضوع باید برای رأی دیوان ضروری تلقی گردد. همچنین، این امری پذیرفته‌شده است که ارائه دلایل متناقض می‌تواند به‌منزله عدم‌ارائه دلایل از سوی دیوان تلقی شود، چراکه خواننده رأی قادر نخواهد بود تا انگیزه‌های دیوان را از صدور رأی احراز کند. علاوه بر این، باید توجه داشت که دلایل متناقض اصولاً منافی همدیگرند. الزام دیوان در بررسی کلیه مسائل مطروحه نزد آن در بند سوم ماده ۴۸ کنوانسیون ایکسید درج شده است. عدم‌پرداختن به کلیه مسائل مطروحه مستقلاً از موجبات ابطال رأی محسوب نشده است؛ اما کمیته‌های ویژه‌ای این نقصان را از مصادیق عدم‌ارائه دلایل قلمداد نموده‌اند. باین‌حال، این الزام بدان معنا نیست که دیوان باید به تک‌تک مباحث و موضوعاتی که طرفین اختلاف مطرح نموده‌اند، رسیدگی کند. تنها مباحث مهم و تعیین‌کننده به‌عنوان «مسئله مورد اختلاف» مدنظر هستند. در واقع مباحثی تعیین‌کننده به‌شمار می‌آیند که پذیرششان می‌تواند حکم دیوان را تحت‌الشعاع قرار بدهد.^{۳۵}

همچنین، مستدل بودن رأی می‌تواند تأثیری شگرف بر ارزش اقناعی رأی داشته باشد. این ارزش اقناعی بر گروه‌های مختلف قابل‌بررسی است. گروه نخست، طرفین دعوا هستند که ذی‌نفعان رأی محسوب می‌شوند و بیشترین تأثیر را از رأی می‌پذیرند؛ گروه دوم، داوران متأخر هستند که بعداً ممکن است به رأی داوری، به‌عنوان رویه سابق، رجوع کرده و از آن در رأی خود استفاده کنند؛ گروه سوم، اشخاص ثالث شامل پژوهشگران و دیگر افراد مرتبط می‌باشد. در تمام این موارد، اهمیت مستدل بودن رأی مبرهن است. رأیی که حاوی استدلالات کافی نباشد، کارکرد خود را در هر سه مورد از دست می‌دهد احتمال نقض یا ابطال آن نیز بسیار بالا می‌رود.

نتیجه و پیشنهاد

پرونده‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی از پرونده‌های بسیار مهم حقوقی هستند که اغلب از طریق داوری حل‌وفصل می‌شوند. در سطح بین‌المللی نهادهای گوناگونی برای رسیدگی به این پرونده‌ها پیش‌بینی شده که مهم‌ترین و تخصصی‌ترین آنها، مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید) می‌باشد. این نهاد از طریق محاکم داوری که در مجموعه خود دارد، به حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌پردازد. داوری بین‌المللی در حوزه سرمایه‌گذاری شرایط خاصی دارد که سبب می‌شود تفاوت‌های زیادی با سایر حوزه‌ها پیدا کند. برخلاف داوری تجاری بین‌المللی که میان دو طرف خصوصی رخ می‌دهد و هر دو طرف آنها داوری را در فرایندی کاملاً شخصی انتخاب می‌کنند، در نظام داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی بازیگران بیشتری درگیر هستند. حاکمیت دولت میزبان، مخالفان داخلی‌اش، داوری‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع داخلی، گروه‌های غیردولتی که در داخل کشور فعالیت می‌کنند و در اکثر موارد، عموم مردم جامعه که از رأی صادره منتفع یا متضرر خواهند شد، می‌توانند با این‌گونه پرونده‌ها مرتبط باشند. از این رو، اظهار دلایل مبنای حکم در پرونده‌هایی از این دست، شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد. این شرایط ویژه در کنوانسیون ایکسید هم مطرح نظر بوده تا جایی که ضمانت اجرای ابطال رأی را در فرض عدم اظهار دلایل، مقرر کرده است. در پرونده‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری بین‌المللی که اغلب توسط مراجع داوری ایکسید مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند، معیارهای گوناگونی در ارتباط با این مهم ارائه شده است؛ اما معیار متعادل‌تر که قابلیت پذیرش بیشتری دارد، بر این نکته تأکید می‌کند که اظهار دلایل برای این منظور که منجر به ابطال رأی نشود، باید به‌گونه‌ای باشد که خواننده رأی با مطالعه آن بتواند سیری منطقی را دنبال کند؛ یعنی متوجه شود که دیوان داوری چگونه از نقطه الف به نقطه ب و در نهایت، به نتیجه رأی خود رسیده است. در صورتی که چنین منطقی در رأی وجود نداشته باشد، مقرر اظهار دلایل رعایت نشده و رأی ابطال خواهد شد. البته لازم به ذکر است که اگر عدم اظهار دلایل در مسائل و موضوعات جزئی باشد و کل رأی را تحت تأثیر قرار ندهد، این امر منجر به ابطال رأی نمی‌گردد.

این موارد و معیارهای مطرح‌شده صرفاً راجع به پرونده‌های سرمایه‌گذاری مطرح‌شده در دیوان داوری ایکسید بود؛ اما از آنجایی که کشور ما هنوز به ایکسید نپیوسته، مسئله در مورد پرونده‌های سرمایه‌گذاری ایران پیچیده‌تر خواهد بود. مطابق ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت

سرمایه‌گذاری خارجی^{۳۶} مصوب ۱۳۸۱ که تنها قانون خاص سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران است، «اختلافات بین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی درخصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع این قانون، چنانچه از طریق مذاکره حل‌وفصل نگردد، در دادگاه‌های داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مگر آنکه در قانون موافقتنامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی، در مورد شیوه دیگری از حل‌وفصل اختلافات توافق شده باشد.» چنان‌که دیده می‌شود، این ماده در صورتی که توافق دیگری نشده باشد، محاکم داخلی ایران را صالح به رسیدگی به پرونده‌های سرمایه‌گذاری خارجی قرار داده است. امری که بیشترین مطابقت را با حاکمیت ملی ایران دارد، اما برخلاف عرف بین‌المللی سرمایه‌گذاری است و در مواردی می‌تواند از جاذبه سرمایه‌گذاری در ایران بکاهد. البته مسئله در عمل به این دشواری نیست؛ زیرا اصولاً در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری حل‌وفصل اختلافات به مرجع داوری ارجاع داده می‌شود و مسئله از این طریق مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. امری که باز هم در حقوق ما خالی از مشکل نیست؛ زیرا مطابق اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.» این اصل در عمل مشکلات زیادی را در پرونده‌های بین‌المللی ایران ایجاد کرده که در این مقال نمی‌گنجد؛ اما از آنجایی که تقریباً تمام کشورهای متقدم امروز به عضویت ایکسید درآمده‌اند، لازم است ایران هم شرایط لازم برای این امر را مهیا کند. البته تلاش‌هایی برای این مسئله از چند سال پیش آغاز شده، اما با توجه به حساسیت موضوع کافی به نظر نمی‌رسد. لازم است با فراهم آوردن جمیع شرایط، عضویت کشورمان در ایکسید تحقق یابد. از این‌رو، لازم است حقوق‌دانان ما با نحوه رسیدگی مراجع داوری ایکسید آشنا باشند. در این مقاله تلاش کردیم اطلاعاتی در زمینه یکی از خصوصیات مهم این رسیدگی (الزام به اظهار دلایل) ارائه دهیم؛ امید است که در آینده با پژوهش‌های کامل‌تر، خلأهای موجود در این زمینه پر شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- پیران، حسین. *مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی*. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۹.
- جلالی، محمود. «حل‌وفصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق داوری ایکسید و ضرورت الحاق ایران». *فصلنامه هیات و حقوق* ۱۳ (۱۳۸۹): ۷۲-۴۳.
- دالزر، رودلف و کریستف شروتر. *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*. ترجمه سید قاسم زمانی و به‌آذین حبیبی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱.
- شمس، عبدالله. *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. جلد ۳. چاپ هیجدهم. تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۹.
- شهبازی‌نیا، مرتضی. «داوری و انصاف» در مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، به‌اهتمام محمد کاکاوند، ۱۳۸-۱۱۷. چاپ سوم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱.
- شیروی، عبدالحسین. *داوری تجاری بین‌المللی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱.
- صالحی‌راد، محمد. «تأملاتی در باب مستدل بودن احکام دادگاه‌ها». *مجله حقوقی دادگستری* ۴۲ (۱۳۸۲): ۳۸-۱۷.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.
- قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (FIPPA) مصوب ۱۳۸۱.
- قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶.
- کک‌دین، نگوین، پاتریک دیبه و آلن پله. *حقوق بین‌الملل عمومی*. ترجمه حسن حبیبی. تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۳.
- «کنوانسیون حل‌وفصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۶ (۱۳۶۵): ۲۹۸-۲۶۹.
- مجتهدی، محمدرضا. «درآمدی بر حقوق حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون داوری ایکسید». *مجله فقه و حقوق اسلامی* ۳ (۱۳۹۰): ۲۰۰-۱۷۵.

ب) منابع انگلیسی

African Growth and Opportunity Act. "Congo (DRC) - United States (BIT)." Accessed November 2, 2014. [Http://Agoa.Info/Bilaterals/Bit/Congo-Drc-United-States-Bit.Html](http://Agoa.Info/Bilaterals/Bit/Congo-Drc-United-States-Bit.Html).

Alvarez, Guillermo Aguilar, And W. Michael Reisman. *The Reasons Requirement in International Investment Arbitration*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2008.

Carlston, Kenneth Smith. *The Process of International Arbitration*. New York: Columbia University Press, 1946.

ICSID Review. "Klockner V. Cameroon Decision of the Ad Hoc Committee." Accessed November 1, 2014.

[Http://Icsidreview.Oxfordjournals.Org/Content/1/1/89.Full.Pdf+Html](http://Icsidreview.Oxfordjournals.Org/Content/1/1/89.Full.Pdf+Html).

ICSID Review. Accessed October 31, 2014. https://Icsid.Worldbank.Org/ICSID/Frontservlet?Requesttype=Casesrh&Actionval=Sho whome&PageName=Memberstates_Home.

Italaw. "El Salvador's Counter-Memorial in Opposition to Claimants' Application for Annulment." Accessed November 2, 2014. <http://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw1186.pdf>.

Italaw. "Mr. Patrick Mitchell V. Democratic Republic of the Congo." Accessed November 2, 2014. <http://www.italaw.com/cases/709>.

Leigh, Monroe. "Maritime International Nominees Establishment V. Republic of Guinea." *The American Journal of International Law* 77(2) (1983): 318-320. Accessed November 2, 2014. doi: 10.2307/2200863. [Http://Www.Jstor.Org/Discover/10.2307/2200863?Uid=2&Uid=4&Sid=21104932536397](http://Www.Jstor.Org/Discover/10.2307/2200863?Uid=2&Uid=4&Sid=21104932536397).

Lew, Julian D. M. (Editor). *Contemporary Problems in International Arbitration*. London: Martinus Nijhoff Publishers, 1986.

Reisman, W. Michael. *Nullity and Revision*. London: Yale University Press, 1971.

Shihata, Ibrahim, and Antonio R. Parra. "The Experience of the International Center for the Settlement of Investment Disputes (ICSID)." *Foreign Investment Law Journal* 14 (1999): 299-361.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 1

2019-1

- **A Postmodern Critique of Legal Positivism in International Law**
Dr. Alireza Bagheri Abyaneh - Dr. Mojtaba Ansarian
- **Interpretation of the UN Security Council Resolutions**
Yaser Salarian - Mahdi Khalili Torghabe
- **Exceptions to the Prohibition of Forced Labor in Iran's Current Laws and ILO Conventions No. 29**
Dr. Mohammad Mazhari - Farzad Jangjooi (Kharata) - Akbar Lotfi Aziz
- **Specific Obligations of Telecommunication Services in the World Trade Organization**
Zahra Moshref Javadi
- **Reasoning Requirement of Arbitration Awards in International Investment Disputes Settlement**
Sepehr Hasankhanpour - Amirhosein Haghighi
- **Criminal Policy on Direct Tax Law Emphasizing the Amendment Law on Direct Tax Law**
Dr. Aboulhasan Shakeri - Atefeh Sheikheslami
- **Combating Smuggling of Goods in the Law on Combating Trafficking in Goods and Currency Approved 2013**
Mostafa Hasan Raeisi - Reyhaneh Khalili
- **The Effect of Personality in the Contracts in Iranian and English Laws and Judicial Precedent**
Fatemeh Norouzi - Dr. Mahdi Ashouri - Dr. Delavar Baradaran
- **Situation of Lawyer at the Preliminary Investigation Phase**
Dr. Seyyed Ebrahim Ghodsi - Meisam Gholamy - Amin Maleki
- **Sovereignty of the Wills and its Advent in the Rules of Conflict of Laws in the Iranian and Chinese Legal Systems**
Vahid Yeganeh - Rouholamin Hojjati Kermani
- **Smart Contracts: Legal Agreements for the Block Chain**
Author: Reggie O'Shields, Translators: Mahdi Naser - Dr. Hossein Sadeghi

